

ارزیابی ریاست دوره‌ای فرانسه بر اتحادیه اروپائی

ریاست دوره‌ای فرانسه بر اتحادیه اروپائی، فرصت مناسبی برای سارکوزی رئیس‌جمهور جاه‌طلب این کشور بود تا توانائی‌های خود و کشورش را در اتحادیه اروپایی و در عرصه بین‌المللی به تصویر بکشد. رفتار هیجانی سارکوزی، از اعلام برنامه بلندپروازانه برای دوره ریاست تا توصیف احساسی از تجربیات این دوره نمایان بود. اکنون پس از پایان دوره ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپایی، می‌توان قضاوت نمود که فرانسه و رئیس‌جمهور آن تا چه حد در تحقق این برنامه‌های بلندپروازانه توفیق داشته‌اند.

اتحادیه فرصت مناسبی بود که این دیدگاه سارکوزی تحقق یابد. در عین حال شرایط در اروپا و نیز در سطح بین‌المللی، زمینه‌های مساعدی را برای پیشبرد این هدف مهیا کرده بود.

سارکوزی برای اجرای این طرح و به دست گرفتن رهبری اروپا انرژی و هیجان زیادی نشان می‌داد. وی حتی از اواخر سال ۲۰۰۷ در حال آماده شدن برای دوره ریاست بود. اولین بار سارکوزی بود که پیشنهاد تدوین متن معاهده جدید و تصویب آن در پارلمان‌ها (و نه همه‌پرسی) را مطرح نمود. در همان زمان طرح اتحاد برای مدیترانه و اعلام برنامه بلندپروازانه برای دوره ریاست، باعث بروز واکنش‌هایی در سطح اروپا شد.

ریاست دوره‌ای فرانسه بر اتحادیه اروپایی، هاله‌ای از بیم و امید را در میان اروپایی‌ها به همراه داشت. عنصر بیم از میراث همه‌پرسی سال ۲۰۰۵ فرانسه در خصوص قانون اساسی اروپا و پیامدهای آن نشأت می‌گرفت. در اثر رأی منفی فرانسوی‌ها به قانون اساسی اروپا، این کشور تا مدت‌ها از سنت و جایگاه دیرینه خود در روند همگرایی اروپایی فاصله گرفته و به «مرد بیمار اروپا»^۱ مشهور شد. اما روی کار آمدن سارکوزی و شعارهای وی در خصوص همگرایی اروپایی باعث امید شده بود. سارکوزی که از ماه مه ۲۰۰۷ ریاست جمهوری فرانسه را بر عهده گرفت، تلاش نمود این تصویر از فرانسه در اتحادیه را تغییر دهد. سارکوزی با پشتوانه شخصیت جاه‌طلب خود می‌خواست ثابت کند که فرانسه به اروپا بازگشته و جایگاه خود را در اتحادیه اروپایی احیا نموده است. دوره ریاست فرانسه بر

1 . Sick Man of Europe

برنامه اولیه فرانسه برای دوره ریاست، همچون روال معمول، بیشتر بر مسائل داخل اتحادیه تمرکز داشت. اولویت‌های اصلی فرانسه شامل سیاست انرژی و آب و هوا، سیاست دفاعی اروپا، سیاست مهاجرتی و سیاست مشترک کشاورزی بود. اما بروز تحولاتی غیرمنتظره سبب شد سارکوزی که می‌خواست تمام انرژی را برای اثبات خود و فرانسه در این چهار حوزه صرف نماید، موضوعات دشوارتر اما جذاب‌تر و تاثیرگذارتری برای فعالیت بیابد. این موضوعات به غیر از رای منفی مردم ایرلند به معاهده لیسبون، عمدتاً در حوزه بین‌المللی و سیاست خارجی رخ داد و باعث شد در دوره ریاست فرانسه، نقش دیپلماسی اروپایی تقویت شود. همان‌گونه که از ابتدا پیش بینی می‌شد، دوره ریاست فرانسه دوره بسیار دشواری بود که علاوه بر معیارهای مرسوم و معمول، معیارهای متفاوتی موفقیت یا عدم توفیق آن را مشخص می‌کرد. (۱)

حدود دو هفته قبل از آغاز دوره ریاست فرانسه، در دوازدهم ژوئن ۲۰۰۸ مردم ایرلند طی همه‌پرسی به معاهده لیسبون رای منفی داده و اتحادیه اروپایی و روند طولانی معاهده اروپایی (از قانون اساسی تا معاهده لیسبون) را وارد بحران جدیدی کردند. در ماه اوت ۲۰۰۸ بحران گرجستان آغاز شد و نهایتاً در پانزدهم سپتامبر ۲۰۰۸ با اعلام ورشکستگی از سوی بانک لمن برادرز آمریکا، بحران مالی جهان که تأثیرات شگرفی بر اقتصادهای اروپایی داشت آغاز شد. در نتیجه این تحولات فرانسه به عنوان رئیس اتحادیه اروپایی ناگزیر شد علاوه بر مشکلات داخل اروپا، با چالش‌های جدی سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی نیز مواجه شود. بروز این تحولات غیرمنتظره، برنامه کاری فرانسه را متأثر ساخته و انتظارات جدیدی را از این کشور مطرح نمود. در عین حال این تحولات زمینه‌ای را فراهم کرد که سارکوزی

تصویری از فرانسه به عنوان رهبر و منجی اروپا ارائه نموده و جاه‌طلبی‌های خود را بیشتر ارضا نماید. معمولاً پس از پایان دوره ریاست هر کشور بر اتحادیه اروپایی، عملکرد آن کشور براساس شاخص‌های موفقیت در پیشبرد طرح‌های اروپایی سنجیده می‌شود اما با توجه به تحولات غیرمنتظره مذکور، عملاً ناگزیر هستیم میزان توفیق فرانسه در دوره ریاست را با معیار اولویت‌های اولیه اعلامی این کشور و نیز مواجهه با بحران‌های مذکور بسنجیم. پیش از انجام این کار، اشاراتی به جایگاه سنتی فرانسه در اتحادیه اروپایی و دیدگاه‌های سارکوزی در این خصوص خواهیم داشت.

فرانسه در اتحادیه اروپایی

فرانسه به عنوان یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه و همگرایی اروپایی شناخته می‌شود. صاحب‌نظران معتقدند که سیاست سنتی فرانسه در حمایت از همگرایی اروپا در واقع یک پروژه در راستای افزایش قدرت و نفوذ ملی است که در سطح اروپایی اجرا می‌شود. (۲) از این منظر، اروپای واحد می‌تواند منجر به افزایش قدرت و نفوذ فرانسه گردد. فرانسه تا سال‌ها از محورهای اصلی این روند بود اما مخالفت چشمگیر مردم فرانسه با معاهده قانون اساسی اروپا در همه‌پرسی سال ۲۰۰۵، گسستی در این روند طولانی ایجاد کرد. رأی منفی مردم فرانسه نشان می‌داد که در روند همگرایی اروپایی، نخبگان سیاسی این کشور بسیار سریع پیش رفته و فاصله زیادی با مردم گرفته‌اند. در نتیجه مشروعیت این روند در میان افکار عمومی زیر سوال رفته بود. توفیق چشمگیر لوپن رهبر جبهه ملی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲، پیشاپیش هشدارهایی را در مورد این گرایش جدید در افکار عمومی فرانسه داده بود. در این شرایط بسیاری از نخبگان فکری و سیاسی فرانسه، تردیدهایی را در مورد سیاست این

کشور در اروپا مطرح نمودند. به نظر می‌رسید فرانسوی‌ها در سه حوزه با روند همگرایی اروپایی به مشکل برخورد بودند:

اول، مردم و نخبگان فرانسوی در قبال نقش ابردولتی اتحادیه اروپایی مقاومت می‌کردند. در واقع فرانسوی‌ها نمی‌خواستند بپذیرند که مقررات و هنجارهای اتحادیه‌ای بر سنت‌های قانونی دیرینه در فرانسه تسلط یابد. دوم، فرانسه به عنوان یکی از مراکز اصلی سیاست دولت رفاهی در اروپا و سیاست‌های اقتصادی اجتماعی، تعارض بنیادی با سیاست‌های بازار آزاد اتحادیه داشت. (۳) سوم، در حالی که مردم و نخبگان فرانسه همچنان در نوستالژی اتحادیه اروپا با ۱۲ عضو به سر می‌بردند، گسترش اعضای اتحادیه که عملاً باعث کاهش بخشی از نفوذ و تأثیرگذاری فرانسه می‌شد و طرح بحث عضویت ترکیه، مقاومت‌هایی را در میان افکار عمومی و نخبگان فرانسه ایجاد می‌کرد.

سارکوزی و اتحادیه اروپایی

سارکوزی از همان دوران تبلیغات انتخاباتی همواره مطرح می‌کرد که فرانسه باید به اروپا بازگردد. پیشنهاد وی در مورد «معاهده کوچک»^۱ که توسط پارلمان‌های کشورهای اروپایی تصویب شود مسیری را گشود که باعث شد معاهده قانون اساسی از بن بست بیرون آمده و معاهده لیسبون شکل گیرد. خود فرانسه در فوریه ۲۰۰۸ معاهده لیسبون را تصویب نمود. دیدگاه‌ها و جنب و جوش سارکوزی گرچه تحرکی جدید را در اروپا ایجاد می‌کرد در عین حال باعث بروز حساسیت‌هایی شد. در اولین گام، سارکوزی با ارائه و پیشبرد اتحادیه مدیترانه‌ای، آلمان متحد سنتی فرانسه در اتحادیه را از خود دور نمود و روابط وی با مرکل صدراعظم آلمان در هاله‌ای از عدم

1 . Mini Treaty

اعتماد شکل گرفت. از سوی دیگر مخالفت صریح سارکوزی با عضویت ترکیه، بر خلاف سیاست سنتی اتحادیه مبنی بر عدم ناامیدی ترکیه در عین معطل نگه داشتن آن، مشکل ساز بود. بخشی از مقاومت‌ها در قبال برنامه‌های سارکوزی، از ماهیت جاه طلبانه و منافع محور وی در اتحادیه اروپایی نشأت می‌گرفت. سارکوزی حتی قبل از این که دوره ریاست فرانسه شروع شود، در ژانویه ۲۰۰۸ (یعنی در آغاز دوره ریاست اسلوونی) هدف خود مبتنی بر پیشبرد سیاست مشترک مهاجرتی، سیاست مشترک دفاعی، سیاست مشترک انرژی و سیاست مشترک آب و هوایی را مطرح نمود. اهدافی که بسیار بلندپروازانه و وصول به آنها غیرممکن می‌نمود. ایجاد دردسر از سوی سارکوزی به این موارد محدود نشد و وی با درگیر شدن با نهادهای درون اتحادیه از جمله انتقاد از بانک مرکزی اروپا و حمله شدید به پیتر مندلسون کمیسیونر امور تجاری اتحادیه، فضایی از تنش را ایجاد نمود.

بررسی کارنامه فرانسه در دوره ریاست بر اتحادیه اروپایی

موضوعات در دستور کار فرانسه در دوره ریاست را در یک تقسیم بندی کلی می‌توان به موضوعات داخلی اتحادیه و موضوعات خارجی تقسیم بندی نمود.

الف. موضوعات و اولویت‌های داخلی

۱. معاهده لیسبون

بحران معاهده لیسبون چند روز قبل از دوره ریاست فرانسه آغاز شد. در حالی که تا قبل از آن همه چیز به خوبی پیش رفته بود و انتظار می‌رفت تا پایان سال ۲۰۰۸ معاهده لیسبون به تصویب همه اعضای اتحادیه برسد، رای منفی مردم ایرلند بحران جدیدی را در اتحادیه ایجاد نمود. با توجه به حساسیت افکار عمومی ایرلند، عملاً

فضای مانور اندکی برای فعالیت وجود داشت. نظرسنجی انجام شده در ژوئیه ۲۰۰۸ نشان می داد که ۷۱ درصد رأی‌دهندگان ایرلندی از همه‌پرسی مجدد حمایت نمی‌کنند و ۶۲ درصد در صورت انجام مجدد همه‌پرسی باز رای منفی خواهند داد. (۴) سارکوزی ضمن تلاش برای یافتن راه حلی برای این بحران، به دنبال آن بود تا کشورهایی را که هنوز معاهده را تصویب نکرده بودند به این کار متقاعد نماید. وی به خصوص تأکید داشت که رؤسای بعدی اتحادیه یعنی چک و سوئد معاهده را تصویب نمایند. در مورد ایرلند پس از ارائه طرح‌ها و پیشنهادات مختلف و مذاکرات متعدد با مقامات ایرلندی، نهایتاً مقرر گردید که صحبت از یک معاهده جدید متوقف شده و همه‌پرسی دیگری در اکتبر ۲۰۰۸ در این کشور انجام گیرد. در واقع فرانسه در این بحث به توفیق خاصی دست پیدا نکرد.

۲. دفاع مشترک اروپایی

سارکوزی ضمن این که تلاش نمود فرانسه مجدداً در تمام ساختارهای ناتو مشارکت نماید، در پی آن بود که در راستای سیاست دفاعی مشترک اروپایی، قابلیت‌های نظامی و عملیاتی اروپا تقویت شود و این اتحادیه جایگاه قوی تری در ابعاد نظامی داشته باشد. وی حتی ایجاد قابلیت‌های نظامی اروپا بر مبنای الگوی ناتو را مطرح نموده است. از نظر سارکوزی ایجاد اتحادیه دفاعی در اروپا، منافاتی با ناتو نخواهد داشت. در اوائل اکتبر ۲۰۰۸ نشست وزرای دفاع ۲۷ کشور اتحادیه اروپایی برگزار شد و توافق گردید ابتکارات جدیدی در راستای دفاع مشترک اروپایی صورت گیرد. البته بدیهی است به دلیل گرایش‌های متفاوت در درون اتحادیه، در آینده نزدیک نمی‌توان شاهد سیاست دفاعی مشترک اروپایی به معنای واقعی بود.

۳. سیاست مهاجرتی مشترک

با توجه به نقش سارکوزی به عنوان وزیر کشور فرانسه در مهار شورش‌های حومه ای سال ۲۰۰۵ در این کشور و نیز شعارهای انتخاباتی وی در حوزه سیاست‌های مهاجرتی، وی علاقه خاصی به تدوین سیاست مشترک مهاجرتی در سطح اروپا نشان می داد. در همین چارچوب وی پس از ریاست جمهوری، برای اولین بار وزیری تحت عنوان وزیر مهاجرت، همگرایی و هویت ملی منصوب نمود. سارکوزی مایل بود علایق ملی خود در بحث مهاجرت را به سطح اروپا بکشاند. در همین قالب وزیر مهاجرت فرانسه پیش از ریاست دوره ای این کشور مذاکراتی را برای انعقاد یک معاهده در مورد مهاجرت و پناهندگی آغاز کرده بود. پیمان اروپایی مهاجرت و پناهندگی در اوائل دوره ریاست فرانسه ارائه گردید و پس از چند دور گفتگو، در نشست سپتامبر ۲۰۰۸ وزرای دادگستری و کشور اروپا به تصویب رسید. در این سند اقداماتی جهت کنترل مهاجرت غیرقانونی، تحکیم کنترل‌های مرزی، همکاری با کشورهای مهاجرفرست و ایجاد سیاست مشترک پناهندگی حداکثر تا سال ۲۰۱۲ پیش بینی شده است. به نظر می رسد فرانسه در این حوزه حداقل در شکل‌گیری نوعی توافق کلی توفیق داشته است.

۴. سیاست مشترک کشاورزی

بر مبنای تصمیم کمیسیون اروپا در نوامبر ۲۰۰۷ قرار بود اصلاحاتی در سیاست کشاورزی اتحادیه صورت گیرد. در این قالب قرار بود یارانه برخی بخش‌ها متوقف گردد. سیاست کشاورزی مشترک (یارانه‌های بخش کشاورزی) همچنان ۴۰ درصد بودجه اتحادیه را به خود اختصاص می دهد و در سال‌های اخیر فشار زیادی از طرف کمیسیون اروپا، انگلیس و کشورهای شمال اروپا

بوده که منابع کمتری به بخش کشاورزی اختصاص یابد. با توجه به منافع عظیم فرانسه در یارانه‌های کشاورزی، این کشور همواره با اصلاح یارانه‌ها مخالف بوده است. سارکوزی توجیه می‌کرد که با توجه به افزایش نرخ مواد غذایی در جهان، وقت آن نیست که تولید مواد غذایی در اروپا آسیب ببیند. در نشست غیررسمی وزرای کشاورزی اتحادیه در سپتامبر ۲۰۰۸ دو نوع دسته بندی بروز پیدا کرد: بین اعضای موافق تداوم یارانه‌ها در مقابل اعضای طرفدار بازار آزاد از یک سو و بین اعضای که تولید مواد غذایی را محور اصلی سیاست مشترک کشاورزی تلقی می‌کردند و از سوی دیگر بین اعضای که بیشتر به محیط زیست نظر داشتند.

۵. سیاست آب و هوایی و انرژی

در دوره ریاست آلمان در مارس ۲۰۰۷، شورای اروپا برنامه عملی برای سیاست انرژی اروپا را تصویب نمود. در دوره ریاست اسلوونی «بسته آب و هوا و انرژی‌های تجدید پذیر»^۱ از سوی کمیسیون مطرح شد که هدف ۲۰ درصد کاهش در گازهای گلخانه‌ای، ۲۰ درصد بهبود بهره‌وری انرژی و ۲۰ درصد تولید انرژی از منابع تجدید پذیر تا سال ۲۰۲۰ را دنبال می‌کرد. این مسأله با توجه به سهم هر کشور در این سیاست‌ها بسیار بحث برانگیز بود. قرار بود کشورهای اروپایی تا قبل از پایان ۲۰۰۸ به توافقی در مورد بسته مذکور دست یابند. نگرانی از این بود که چک به عنوان رئیس دوره‌ای بعد از فرانسه، همچون سایر کشورهای اروپای شرقی، ملاحظاتی در مورد این بسته داشت. کشورهای اروپای شرقی و مرکزی عموماً نگران هستند که سیاست آب و هوایی رشد اقتصادی آنها را کند نماید. در اثر فشار صنایع

و لابی قوی آنها در پارلمان اروپا و بحران مالی جهانی چالش‌هایی برای پیشبرد بسته مذکور ایجاد شد. در نشست اکتبر ۲۰۰۸ شورای اروپا تنش‌ها بالا گرفت و مذاکرات به بن بست انجامید. نهایتاً در نشست دسامبر شورای اروپا، بسته آب و هوا و انرژی به تصویب رسید.

ب. موضوعات خارجی

همان گونه که بیان گردید بخش زیادی از انرژی فرانسه در دوره ریاست بر اتحادیه، صرف پرداختن به موضوعات خارجی و عمدتاً غیرمنتظره گردید و دیپلماسی فرانسه در این دوره بسیار فعال بود.

۱. اتحاد برای مدیترانه

سارکوزی درست در روز پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، طرح اتحاد برای مدیترانه را مطرح نمود. اهدافی چون ایجاد نوعی مشارکت ویژه بین حوزه مدیترانه و فرانسه، ایجاد توازن در مقابل نفوذ آلمان و ایجاد زمینه‌ای برای حل مسأله عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی از اهداف این طرح بود. به‌رغم بدبینی شرکای فرانسه به خصوص آلمان، سارکوزی تلاش نمود این طرح را محقق سازد و اولین نشست سران در سیزدهم ژوئیه ۲۰۰۸ در پاریس برگزار گردید. البته سارکوزی تحت فشار متحدان اروپایی پذیرفت که سیاست جدید در مورد مدیترانه بخشی از سیاست خارجی اتحادیه در قالبی گسترده تر باشد. (۵)

۲. بحران گرجستان

بحران بین روسیه و گرجستان زمینه مناسبی را برای فعالیت و مانور سارکوزی و تقویت نقش فرانسه در دیپلماسی اروپا فراهم نمود. سارکوزی در سفرهای خود به مسکو و تفلیس تلاش نمود نقش میانجی را ایفا نماید. با توجه به این که آمریکا به دلیل طرفداری از یک طرف بحران نمی‌توانست دیپلماسی فعالی داشته باشد، اتحادیه

1. Climate Action and Renewable Energy Package

اروپایی و در راس آن فرانسه به عنوان عاملی برای مدیریت این بحران مطرح گردید. گرچه تلاش‌های فرانسه منجر به استقرار آتش بس بین روسیه و گرجستان گردید، در سطح اتحادیه گرایش‌های متفاوتی در قالب چگونگی واکنش در قبال روسیه مشهود بود. کشورهای اروپای شرقی و مرکزی، سوئد و انگلیس طرفدار برخورد تندتر در قبال روسیه بودند و در اثر تلاش‌های آنان، مذاکرات اتحادیه و روسیه در مورد موافقتنامه جدید مشارکت به حال تعلیق درآمد.

۳. بحران جهانی اقتصاد

بروز بحران مالی در سطح جهان یکی دیگر از رویدادهای مهم و غیرمنتظره دوره ریاست فرانسه بود. سارکوزی تلاش نمود موضع مشترکی در درون اروپا به خصوص حوزه یورو ایجاد نماید. هدف این بود که آسیب پذیری اروپا از بحران مالی به حداقل برسد. در مقابل کشورهایی چون آلمان بر ابتکارات و سازوکارها در سطح ملی تأکید می‌کردند. با توجه به آسیب‌پذیری و لطمات متفاوت کشورهای اروپایی از این بحران، عملاً نظام‌های ملی بیشتر مورد توجه بود. در حوزه اقتصادی، انتقادهای دائمی سارکوزی از بانک مرکزی اروپا و لزوم تحدید استقلال و نفوذ آن بحث برانگیز و دردسر ساز بود.

۴. روابط اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست فرانسه

اگرچه دو موضوع هسته‌ای و حقوق بشر در صدر مسائل روابط طرفین طی سال‌های اخیر بوده است؛ اما سابقه ریاست فرانسه در این دو مورد نشان دهنده رکورد کم سابقه‌ای از واکنش اتحادیه نسبت به مسائل ایران است. ریاست فرانسه در زمینه تروریسم نیز سابقه نامناسبی در روابط اتحادیه و ایران ایجاد نمود بگونه‌ای

که نهایتاً نام منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه حذف شد.

هسته‌ای: در بحث هسته‌ای اتحادیه اروپائی سیاست دو سویه تحریم - تماس با ایران را ادامه داد و در این راستا ۱۹ ژوئیه خاویر سولانا با دکتر جلیلی دبیرشورایعالی امنیت ملی در ژنو ملاقات نمود. این ملاقات از دو جهت اهمیت داشت. اول اینکه پس از سفر سولانا به تهران و ارائه بسته جدید پیشنهادی ۵+۱ انجام می‌شد و دوم اینکه برای اولین بار نماینده ایالات متحده نیز در چنین اجلاسی شرکت نموده بود که از نظر ناظران غربی رویدادی مثبت در راستای پشتیبانی از بسته پیشنهادی ۵+۱ و نمایش مشارکت و حمایت جدی امریکا از هرگونه مصالحه مبتنی بر مذاکرات دیپلماتیک در مسأله هسته‌ای بود. در عین حال بی‌نتیجه بودن این نشست موجب شد اتحادیه اروپائی متعاقباً مجموعه جدیدی از تحریم‌های خارج از شورای امنیت را علیه ایران تصویب نماید. این اقدامات بعنوان متمم موضع مشترک 2007/140/CFSP مورخ ۲۷ و در چارچوب 4(1)(b) و 5(1)(b) آن مصوبه شمار جدیدی از افراد و سازمان‌های مرتبط با فعالیت‌های حساس در زمینه‌های "گسترش سلاح‌های هسته‌ای و سیستم‌های پرتاب" را به فهرست قبلی اضافه نمود. مصوبه یادشده پیرو قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت تدوین شده و محدودیت‌هایی برای سفر و منابع مالی / بانکی افراد و شرکت‌های مندرج در فهرست اعمال می‌نماید. در اوت ۲۰۰۸ و پیرو تصویب قطعنامه ۱۸۰۳ در شورای امنیت نیز اتحادیه اروپائی با اصلاح مصوبه سال ۲۰۰۷ خود طی مصوبه 2008/652/CFSP همه کشورهای عضو را مکلف نمود نسبت به فعالیت مالی همه بانک‌های ایرانی و شعب اروپائی آنها در زمینه‌های گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب هوشیارانه

عمل نمایند. همچنین در پی انتشار گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ریاست فرانسوی با انتشار بیانیه‌ای "با نگرانی عمیق مدیرکل در خصوص عدم همکاری ایران در پاسخگویی به سؤالات آژانس در مورد فعالیت‌های احتمالی برای طراحی و ساخت سلاح‌های هسته‌ای" ابراز همسوئی نمود. ریاست فرانسوی در راستای استفاده از هر فرصتی برای فشار به ایران؛ نسبت به دو مورد آزمایش موشکی ایران هم نگرانی خود را اعلام و بدون هیچگونه توجیهی این موضوع را به مسائل هسته‌ای و قطعنامه‌های شورای امنیت در این زمینه مرتبط نمود.

در این دوره جمهوری اسلامی ایران با ارائه پیشدستانه مجدد یک بسته متقابل پیشنهاد، ارسال نامه دبیرشورای عالی امنیت ملی کشورمان خطاب به سولانا به عنوان نماینده ۵+۱ و انجام یک دور مذاکره میان معاونین مذاکره کنندگان طرفین؛ در حد قابل توجهی ابتکار عمل در مذاکرات هسته‌ای را بدست گرفت.

حقوق بشر: واکنش‌های ریاست دوره‌ای فرانسه در مباحث حقوق بشری را می‌توان از شدیدترین و کم نظیرترین واکنش‌ها طی سال‌های اخیر دانست. ریاست فرانسه در نیمه دوم سال ۲۰۰۸ حداقل چهارده بیانیه در خصوص رویدادهای حقوق بشری در ایران صادر نمود که رکورد بی سابقه در این زمینه از سوی اتحادیه به شمار می‌رود. پنج مورد از این بیانیه‌ها بدون دلیل مشخص و صرفاً به صورت واکنش نسبت به وضعیت عمومی حقوق بشر در ایران و با عناوینی مانند "نقض مکرر حقوق بشر"، "صدور بخشنامه منع اعدام مجرمین زیر ۱۸ سال"، "وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران"، "وضعیت افراد متعلق به اقلیت کرد" و "کاربرد حکم اعدام در ایران" بود. سایر موارد بیانیه‌های حقوق بشری اتحادیه اروپایی در خصوص احکام صادره یا وضعیت برخی متهمان / مجرمان

بود. دو بیانیه اتحادیه در واکنش به "احتمال سنگسار" و "خطر فوری اعدام" برخی افراد در ایران در واقع غیرموجه‌ترین واکنش‌های ریاست دوره‌ای در خصوص رویدادهای حقوق بشری در ایران بود زیرا در واقع عملاً مشکلی ایجاد نشده بود که واکنش طرف اروپایی را ایجاد نماید. همچنین ریاست دوره‌ای در یک مورد سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاریس را به خاطر مسائل حقوق بشری احضار کرد. متقابلاً و در راستای استفاده از حق جمهوری اسلامی و نشان دادن نقش مکرر حقوق بشر در اروپا، وزارت امور خارجه دو بار سفیر و کاردار ریاست دوره‌ای را در واکنش به برخی موارد نقض حقوق بشر در اروپا احضار نمود.

تروریسم: نهائی شدن حکم دادگاه اروپایی در زمینه ضرورت آزادسازی منابع مالی این گروه از مهمترین تحولات ریاست دوره‌ای در زمینه تروریسم بود. عدم جدیت ریاست فرانسوی عملاً زمینه را برای صدور و قطعی شدن حکم دادگاه اروپایی و تصویب نهائی حذف نام این گروه از فهرست اروپایی گروه‌های تروریستی در ژانویه ۲۰۰۹ و اوائل ریاست دوره‌ای چک فراهم نمود. در عین حال ریاست دوره‌ای با سکوت در برابر چند عملیات تروریستی در استان سیستان و بلوچستان عملاً ماهیت سیاسی و استاندارد دوگانه اتحادیه در مبارزه با تروریسم را نشان داد.

جمع بندی

دوره ریاست فرانسه گرچه باعث شد این کشور بتواند تا حدی تصویر خود در اروپا را تغییر دهد، بیشتر فرصتی برای شخص سارکوزی بود تا متأثر از جاه طلبی‌ها و انگیزه‌های شخصی به تاخت و تاز در صحنه اروپا پردازد. تحلیلگران مختلف بحث «شخصی کردن» دوره

ریاست فرانسه توسط سارکوزی را مطرح کرده اند. خود سارکوزی بعد از پایان دوره ریاست ادعا نمود: « تصویر اروپای امروز قوی تر از آن چیزی است که پیش از دوره ریاست فرانسه بود... تجربه اتحادیه تجربه جالبی بود و اروپا مرا تغییر داد.» (۶)

جهت قضاوت درباره میزان توفیق فرانسه در دوره ریاست، با توجه به برنامه جاه طلبانه سارکوزی که شش ماه قبل از آغاز ریاست فرانسه و در ژانویه ۲۰۰۸ مبنی بر شکل دهی به سیاست‌های مشترک اروپایی در چهار حوزه اعلام شد، مطمئن می توان اظهارداشت که پیشرفت اندک در این حوزه‌ها به معنای ناکامی قابل پیش بینی سارکوزی در اهداف بلندپروازانه خود بوده است. به تعبیر صاحب‌نظران اروپایی، مشکل از اینجا ناشی می‌شد که سارکوزی می‌خواست کارهای خیلی زیادی را در زمان اندک به انجام برساند. وی ضمن تلاش برای شکل دادن به همگرایی اروپا در برخی حوزه‌ها، با اظهارات و

طرح‌های چالش‌برانگیز خود عملاً موجب ایجاد تنش و تفرقه در بین اروپایی‌ها بر سر برخی موضوعات شد. صاحب‌نظران اروپایی این گونه دوره ریاست فرانسه را جمع بندی کرده اند که « هرگاه فرانسه تلاش کرد اولویت‌های ملی خود را بر شرکایش تحمیل کند ناکام ماند و هر گاه سعی نمود موضوعات خود را با منافع دیگر اعضای اتحادیه همراه نماید به موفقیت دست یافت.» (۷)

درخصوص روابط اتحادیه اروپایی با جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست فرانسه، رویکرد غیرمنطقی فرانسه و شخص سارکوزی، عملاً بر فضای عدم اعتماد افزود و مانع از آن شد که اتحادیه اروپایی بتواند در بسیاری از مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای با ایران به عنوان مهمترین و تاثیرگذارترین قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه به تعامل بپردازد.

خلیل شیرغلامی - رضا زبیب
مرکز مطالعات اروپا

۱. در خصوص ویژگی‌های دوره ریاست فرانسه ببینید:

خلیل شیرغلامی، ریاست دوره ای فرانسه و چالش‌های اتحادیه اروپایی، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۲۴، مرداد ۱۳۸۷، صص ۴۷-۴۱

2. Christian Lequesne and Olivier Rozenberg, The French Presidency of 2008: the Unexpected Agenda, Sieps, 2008, p. 10

۳. در همین چارچوب شعار فرانسه برای ریاست دوره ای خود « اروپای حمایتی‌تر » A More Protective Europe بود.

4. Christian Lequesne and Olivier Rozenberg, Ibid, p. 19

۵. برای اطلاع بیشتر از طرح اتحاد برای مدیترانه ببینید: رضا زبیب و خلیل شیرغلامی، اتحاد برای مدیترانه: اهداف، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۲۴، مهر ۱۳۸۷، صص ۳۲-۲۵